

نویسنده : جورج بیبی (George Beebe).
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2024-07-12»
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ما به یک بحث منطقی در مورد تهدید روسیه نیاز داریم

We need a rational discussion about the Russian threat

آیا مسکو همان طور که باید می گوید پس از اوکراین به «لهستان» می رود؟ نه دقیقاً

Is Moscow about to 'move on to Poland' after Ukraine like Biden says? Not exactly



درک مقاصد یک دشمن بالقوه یکی از مهم ترین و در عین حال دشوارترین چالش هایی است که هر دولتمردی با آن مواجه است. دست کم گرفتن نیت تهاجمی یک دولت می تواند تدارکات دفاعی محتاطانه ای را که برای بازدارندگی از یک جنگ ضروری است،

منصرف کند، هما‌نطور که در مقدمه جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. برآورد بیش از حد آن می‌تواند چرخه‌ای از اقدامات نظامی تهدیدکننده فزاینده‌ای را ایجاد کند که مارپیچ به درگیری تبدیل می‌شود که هیچ‌یک از طرفین به دنبال آن نبوده‌است، هما‌نطور که در دوره قبل از جنگ جهانی اول اتفاق افتاد.

یافتن نقطه شیرین بین این قطب‌ها در برخورد با نیت روسیه در قبال ناتو، که هفتاد و پنجمین سالگرد خود را این هفته در نشستی در واشنگتن جشن می‌گیرد، حیاتی است. با توجه به زرادخانه عظیم تسلیحات هسته‌ای روسیه که خطر هرگونه فرود در درگیری مستقیم بین روسیه و ناتو را به‌طور بالقوه وجود دارد، ایجاد تعادل بین بازدارندگی و دیپلماسی صحیح بسیار مهم است.

اما برای قضاوت از روی لفاظی‌های ناتو، چنین توازن ظریفی لازم نیست: چالش روسیه به‌عنوان تکرار مدرن تهاجم آلمان نازی در نظر گرفته می‌شود، و تصور می‌شود که خطر اصلی پیش‌روی ائتلاف، وسوسه برای مداخلات و در نتیجه دعوت به تسخیر بیشتر روسیه باشد. از این رو، رئیس‌جمهور باید اظهار داشت که اگر ارتش روسیه قاطعانه در اوکراین متوقف نشود، "به لهستان و جاهای دیگر خواهد رفت."

آیا روسیه در واقع قصد تسخیر نظامی علیه کشورهای عضو ناتو را دارد؟ با توجه به احتیاط‌پوتین تاکنون در جنگ اوکراین در اجتناب از حملات مستقیم به اعضای **ناتو**، احتمالاً پاسخ منفی است.

و دلیل بسیار قابل درک برای این احتیاط وجود دارد. همانطور که همکارانم **آنا تول** و **لیون و مارک ایسکوپوس** و من در مختصر جدید موسسه کوئینسی اشاره می‌کنیم، لازم نیست که در موازنه نظامی متعارف بین روسیه و **ناتو** عمیقاً به عمق پردازیم تا متوجه شویم که ارتش روسیه در هر جنگی با این کشور به شدت برتری خواهد داشت. **ناتو** و دلایل خوبی برای این باور دارند که حمله به هر یک از اعضای **ناتو** به سرعت به درگیری با کل اتحاد تبدیل خواهد شد.

همانطور که کوئینسی توضیح می‌دهد، «ناتو در نیروهای زمینی فعال بیش از سه به یک برتری نسبت به روسیه دارد. ... این اتحاد در هواپیماهای نظامی برتری ده به یک دارد و همچنین دارای برتری کیفی بزرگی است که امکان برتری کامل هوایی را افزایش می‌دهد. در دریا، ناتو احتمالاً ظرفیت اعمال محاصره دریایی بر کشتیرانی روسیه را خواهد داشت که هزینه‌های آن تحریم‌های اقتصادی فعلی را کوچک‌تر می‌کند. در حالی که روسیه برتری آشکاری بر تک‌تک کشورهای ناتو دارد، به ویژه در حوزه بالستیک، بسیار بعید است که بتواند از این مزیت بدون ایجاد جنگ گسترده تری با کل اتحاد ناتو استفاده کند.

این ارزیابی بیش از یک ترتیب ساده مقایسه نبرد بین ارتش روسیه و غربی است. در نبرد واقعی، روس‌ها به سختی تلاش کرده‌اند تا ارتش اوکراین را تحت شرایط بسیار

مطلوب‌تر از آنچه در هر جنگی با ناتو با آن مواجه می‌شوند، تحت کنترل درآورند، جایی که خطوط تدارکات طولانی‌تر، آشنایی کمتری با زمین و شرایط محلی دارند. در فن‌آوری نظامی، به‌ویژه در نیروهای هوایی و دریایی، نقطه ضعف مشخصی وجود دارد. تصور اینکه روسیه جنگ با ناتو را آغاز می‌کند در حالی که توانایی کمی برای فتح، چه رسد به اشغال و حکومت، بخش وسیعی از خاک اوکراین را نسبت دادن درجه‌ای از غیرمنطقی بودن به کرملین بسیار فراتر از آن چیزی است که تا به امروز نشان داده است.

این تحلیل با لفاظی روسیه نیز مطابقت دارد. مسکو بارها هرگونه طرحی برای حمله به خاک ناتو را رد کرده است و هیچ دلیل ظاهری برای انجام این کار نیز ندارد، برخلاف اوکراین که مدت‌ها آن را محوری در تاریخ و فرهنگ روسیه می‌دانست و مدت‌هاست که از احتمال حمله بیمناک است. بحضور نظامی **ناتو پوتین** در اواخر سال 2023 گفت: «روسیه هیچ دلیل، هیچ منفعتی - هیچ منفعت ژئوپلیتیکی، نه اقتصادی، سیاسی و نه نظامی - برای جنگ با کشورهای ناتو ندارد. اظهارات آنها در مورد قصد ادعایی ما برای حمله به اروپا پس از اوکراین، مزخرف است. او در اوایل سال 2024 ادعا کرد.

با این حال، این استدلال که روسیه احتمالاً نه دلیل و نه توانایی برای حمله به یک کشور ناتو دارد، به این معنا نیست که خطر جنگ بین روسیه و غرب ناچیز است. درست برعکس. فرودستی نظامی متعارف روسیه احتمالاً منجر به اتکای بیشتر به زرادخانه هسته‌ای این کشور برای مقابله با تهدید ناتو می‌شود و امنیت این قاره را برای اولین بار از زمان لازم‌الاجرا شدن پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد در این قاره در معرض خطر قرار می‌دهد. اواسط دهه 1980 علاوه بر این، اروپا دارای تعدادی میدان‌های نبرد بالقوه است که در آن یک بحران جدید بین روسیه و غرب ممکن است شعله‌ور شود، از جمله بلاروس، مولداوی، بالکان، گرجستان و کالینین‌گراد.

نیروی بازدارنده نظامی قدرتمند ناتو نمی‌تواند ثبات را برای اروپا به ارمغان بیاورد مگر اینکه با دیپلماسی با هدف ایجاد یک راه حل قابل قبول دوجانبه در اوکراین و برقراری مجدد قواعد بازی که به اجتناب یا مدیریت بحران‌های جدید کمک می‌کند و از خارج شدن تنش بین روسیه و ناتو از کنترل خارج می‌شود.

در غیر این صورت، ما نه به سمت یک تقسیم پایدار اروپا و نه به سمت حمله از پیش برنامه‌ریزی شده روسیه به یک کشور **ناتو**، بلکه همانطور که در خلاصه جدید خود اشاره می‌کنیم، به سمت یک دوره جدید بی‌ثباتی اروپایی متزلزل می‌رویم: «یک ترکیب هسته‌ای مجدد و فرار. رویارویی بین غربی که کمتر از آنچه به نظر می‌رسد متحد و اعتماد به نفس دارد و روسیه که سهم خود را در این رویارویی وجودی می‌بیند و بنابراین انگیزه‌هایی برای بهره‌برداری و تشدید آسیب‌پذیری‌های داخلی غرب خواهد داشت.

برای جلوگیری از این نتیجه، رهبران **نا تو** باید کمتر نگران تکرار اشتباهات **نویل چمبرلین** باشند و بیشتر نگران این باشند که چرا رهبران اروپا در جنگ جهانی اول در خواب رفتند

سطری چند در مورد نویسنده :

جورج بیبی بیش از دو دهه را در دولت به عنوان تحلیلگر اطلاعاتی، دیپلمات و مشاور سیاسی، از جمله مدیر تحلیل روسیه سیا و مشاور ستادی در امور روسیه معاون رئیس جمهور چنی، گذراند. او نویسنده «تله روسیه: چگونه جنگ سایه ما با روسیه می تواند به فاجعه هسته ای تبدیل شود» (2019) است.



جورج بیبی

----- **با تقدیم احترامات «2024-07-15»**